

دو) شیخ انصاری:

ایشان همان مطلب مرحوم شیخ طوسی در مبسوط را نقل می کند و آن را حمل می کند بر صورتی که اگر جذع را بر نداریم، نفس محترمه ای هلاک می شود. ایشان سپس به وجوب حفظ نفس محترمه فتوی می دهد مرحوم شیخ این مطلب را در ذیل بحث لاضرر آورده است و می نویسد آدمی برای دفع ضرر از خودش نمی تواند به دیگری ضرر بزند و برای دفع ضرر از دیگران «واجب نیست» به خودش ضرر بزند. ایشان می نویسد:

«إن مقتضى هذه القاعدة أن لا يجوز لأحد إضرار إنسان لدفع الضرر المتوجّه إليه، و أنه لا يجب على أحد دفع الضرر عن الغير بإضرار نفسه، لأن الجواز في الأوّل، و الوجوب في الثاني، حکمان ضرریان. و يترتب على الأوّل ما ذهب إليه المشهور من عدم جواز إسناد الحائط المخوف وقوعه إلى جذع الجار، خلافاً للشيخ رحمه الله مدّعياً عدم الخلاف فيه. و قد حمل على ما إذا خاف من وقوعه إهلاك نفس محترمة، إذ يجب حفظ النفس المحترمة غاية الأمر لزوم اجرة المثل للاستناد، كأخذ الطعام قهراً لسدّ الرّمق.

و يمكن حمله على ما لم يتضرر أصلاً بحيث يكون كالاستئصال بحائط الغير. فتأمل.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. حفظ نفس محترمه واجب است.
۲. ولی صاحب جذع می تواند اجرة المثل آن ستون را بگیرد مثل جایی که کسی از دیگری به زور غذایی میگیرد تا زنده بماند (سدّ رمق: توان یافتن). در این صورت باید به کسیکه غذای او را گرفته، قیمتش را بدهد.
۳. همچنین ممکن است مراد شیخ طوسی، جایی باشد که تکیه دادن دیوار به آن ستون باعث ضرر به صاحب ستون نشود، (مثل اینکه شما به زیر دیوار دیگری بروید برای اینکه سایه است)
۴. [فتأمل: این با عبارت شیخ طوسی که می نویسد «اخذ جذع غیره» سازگار نیست].

۱. رسائل فقهية (للشيخ الأنصاري)، ص ۱۲۲.



ما می گوئیم:

۱. مطابق کلام شیخ انصاری حفظ نفس محترمه واجب است
۲. اما نسبت به مادون آن، لازم نیست آدمی خود را در ضرر بیاندازد.

سه) شهید ثانی:

مرحوم شهید ثانی در شرح فرمایش علامه (حرام است قطع نماز اختیاراً و جایز است به خاطر ضرورت)

می نویسد:

«و يحرم قطع الصلوة الواجبة اختياراً لقوله تعالى وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ و النهی للتحريم خرج منه ما أخرجه الدليل فيبقى الباقي و يجوز للضرورة كقبض الغريم و حفظ النفس المحترمة من التلف أو الضرر كالصبي الذي يخاف وقوعه في النار أو البئر و إنقاذ الغريق و قتل الحيّة التي يخافها على نفس محترمة و إحراز المال المخوف ضياعه و قد تقدم جواز القطع عند خوف ضرر الحدث مع إمساكه و مثله ما لو ظن سريان النجاسة إلى ثوبه أو بدنه و اعلم ان القطع يجيء فيه الأحكام الخمسة فيجب الحفظ النفس و المال المحترمين حيث يتعين عليه فان استمر (-ح-) بطلت صلواته للنهي المفسد لها.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. ضرورت‌هایی که موجب جواز قطع نماز می شود:
۲. غريم (بدهکار) در حال فرار است، حفظ نفس محترمه از تلف (مثل اینکه بچه ای در حال افتادن در آتش یا آب است و مثل اینکه غریق را نجات دهد و مثل اینکه می خواهد ماری که ممکن است **نفس** محترمه را نیش بزند بکشد) حفظ نفس محترمه از ضرر (مثل اینکه مالی که می ترسیم ضایع شود را حفظ کنیم و مثل اینکه نمازگزار می ترسد اگر وضوی خود را باطل نکند (حدث) ضرر به او متوجه می شود و مثل اینکه می ترسد که نجاست به لباس او سرایت کند)

۱. روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان (ط - القديمة)، ص ۳۳۸\*.



۳. پس قطع نماز گاهی واجب است، اگر به خاطر حفظ نفس محترمه باشد و حتی اگر نماز را قطع نکرد و ادامه داد، نمازش باطل است چراکه وجوب قطع مستلزمه نهی است و نهی عبادات باعث فساد می شود.

ما می گوئیم:

۱. مثال هایی که ایشان در مورد «ضرر مالی» می زند، مربوط به جایی است که ضرر به مال خود می خورد و اگرچه عبارت «حفظ النفس و المال المتحرمین» مطلق است ولی ظاهر صدر عبارت مربوط به «مال غیر» نیست.

۲. مطلب ایشان حفظ نفس محترمه را واجب می کند و آن را مقدم بر محرمات بر می شمارد ولی به ما دون آن ناظر نیست.

